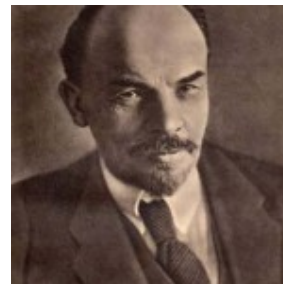


متون آموزشی "بسوی انقلاب"

پیشنویس اعلام شروع بکار هیأت های تحریریه ایسکرا [۲] و زاریا [۳] - و.ای.لنین، ترجمه مهرداد مینایی

بدست admin ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹ • دسته: متون آموزشی • ویرایش



در اجرای مسئولیت نشر دو ارگان سوسیال-دمکراتیک - یک مجله علمی، سیاسی و یک روزنامه ی. سراسری طبقه ی. کارگر روسیه - ضروری دیدیم چند کلمه ای راجع به برنامه ها، اهداف مبارزاتی و درکی که از وظایف مان داریم، بیان نماییم.

ما در حال گذر از دورانی بغایت مهم در تاریخ سوسیال دمکراسی روسیه و جنبش طبقه ی. کارگر روسیه هستیم. همه ی. شواهد، حاکی از رسیدن. جنبش ما به مرحله ای سرنوشت ساز است. جنبش چنان گسترده شده و شاخه های تنومندی در گوشه و کنار روسیه گسترانده که اینک با اشتیاقی مهار نشدنی می کوشد خود را متحد و یکپارچه نماید، فرمی عالی بخود بگیرد و سازمان و شکل متعینی بیابد. در واقع، ویژگی. چند سال گذشته، بسط سریع و حیرت انگیز ایده های سوسیال-دمکراتیک در میان اندیشمندان. ما، و نمود. هم زمان آنها در ایده های اجتماعی، سبب ظهور جنبش. کاملاً، مستقل. پرولتاریای صنعتی شده که آغاز به اتحاد و مبارزه بر علیه ستمگران کرده و مبارزه ی. پرشور خود را برای سوسیالیسم به نمایش گذاشته است. همه جا حلقه های مطالعاتی کارگران و روشنفکران سوسیال-دمکرات ایجاد شده و اعلامیه های تبلیغی محلی در همه جا به چشم می خورند، تقاضا برای ادبیات سوسیال-دمکراتیک بیش از عرضه ی. آن شده و دولت توانایی پیگرد و محدود کردن. همه جانبه ی. جنبش را ندارد.

زندانیان و مناطق تبعید بیش از حد ظرفیت خود پر شده اند. ماهی نیست که در آن خبر "بدم افتادن" سوسیالیستها در همه ی. مناطق روسیه، بازداست پیک های مخفی، دستگیری مبلغین و ضبط نوشته ها و اوراق چاپی، به گوش نرسد، علیرغم اینهمه اما، جنبش ادامه یافته و رشد می یابد و در مناطق گسترده تری پخش می شود و هر چه عمیق تر در میان طبقه ی. کارگر ریشه می دواند و توجه عمومی را بیش از پیش بخود جلب می کند. توسعه ی. اقتصادی همه جانبه ی. روسیه و تاریخ اندیشه ی. اجتماعی و جنبش انقلابی این کشور، تداوم رشد جنبش سوسیال-دمکراتیک طبقه ی. کارگر و غلبه ی. آن بر موانع رودر رو را تضمین می کند.

اگر بخواهیم خصیصه ی. اصلی جنبش ما را که اخیراً، به شکلی ویژه خود را نمایانده توصیف نماییم وضعیت نا متحد و آماتور آن است. حلقه های مطالعاتی محلی تقریباً، در شکل کاملاً، منفرد از سایر مناطق و - مهمتر از همه - از حلقه هایی که بطور همزمان در همان مناطق فعال بوده و در حال حاضر هم فعالند، ایجاد شده و عمل می نمایند. سنت های (مبارزاتی) تثبیت نشده و تداوم نمی یابند؛ نشریات محلی کاملاً، این عدم اتحاد و نبود ارتباط با آنچه سوسیال-

دمکراسی روسیه قبلاً، به آنها دست یافته را منعکس می کنند. بنابر این، به نظر ما دوران حاضر خصوصاً، به این دلیل حیاتی است که از این مرحله ی. آماتوری و پراکندگی فراتر رفته و موکداً، نیازمند صعود به مرحله ای بالاتر، متحدتر، شکلی بهتر و سازمان یافته تر است و ما وظیفه ی. خود می دانیم تا در جهت پیشبردش تلاش کنیم. نیازی به گفتن نیست که عدم اتحاد در مراحل خاص و آغاز نضج گیری جنبش، گریزناپذیر است و نبود تداوم پس از یک دوره سکون طولانی در جنبش انقلابی و آغاز دوره ای حیرت انگیز از رشد سریع و همه جانبه طبیعی به نظر می رسد. همچنین شکی نیست که همواره تنوع و تفاوت هایی در شرایط محلی و نیز تفاوت هایی در شرایط طبقه ی. کارگر در یک منطقه و در مقایسه با مناطق دیگر به چشم خواهد خورد و در یک کلام همواره جنبه های خاصی در میان نقطه نظرات فعالین کارگری محلی وجود خواهد داشت؛ این تنوعات نشانه ای از نیرومندی جنبش و رشد عمیق و سالم آن است. اینهمه درست، اما، عدم اتحاد و نبود سازمان پیامد ناگزیر این تنوعات نیست. حفظ تداوم و اتحاد جنبش به هیچ روی به مفهوم نادیده گرفتن تنوعات نیست، بلکه، بر عکس، ایجاد حوزه ی. آزادی عمل بسیار گسترده تر برای آن است. در هر صورت، در دوره ی. حاضر جنبش، به نظر می رسد عدم اتحاد تأثیرات مخربی بر جنبش داشته و ممکن

است آن را به بیراهه بکشاند: در کل، عمل گرایبی محدود ممکن است جنبش را از شفافیت تئوریکی دور کرده و از یک سو، رابطه ی بین سوسیالیسم و جنبش انقلابی روسیه را نابود کرده و به طور همزمان از جهتی دیگر رابطه ی میان سوسیالیسم و جنبش طبقه ی کارگر را تخریب نماید. با رجوع به نوشته هایی همچون کردو [Credo] و ضمیمه ی جداگانه به رابوچایا میسل "Rabochaya Mysl" (سپتامبر ۱۸۹۹) می توان ثابت کرد که این خطرات خیالی نیستند. ضمیمه بطور کامل، مشخص حاکی از گرایشی است که در تارو بود رابوچایا میسل "Rabochaya Mysl" نفوذ کرده و خود را در سوسیال-دمکراسی روسیه نمایانده است؛ گرایشی که می تواند خطر واقعی ایجاد کند و باید با آن به مقابله برخاست. نشریات قانونی روسیه، با تقلید مسخره شان از مارکسیزم تنها قادرند آگاهی عمومی را به فساد بکشانند و نیز هر ج و مرج و سردرگمی را شدت بخشند که در آن، برنشتین مشهور (مشهور به خاطر ورشکستگی اش) بتواند در پیشگاه جهانیان این ادعای خلاف واقع را نشر بدهد که اکثر فعالین سوسیال-دمکراسی روسیه از وی حمایت می کنند.

هنوز زود است بشود قضاوت کرد این شکاف تا چه اندازه عمیق است و شکل گیری یک گرایش خاص تا کجا امکان پذیر است (در حال حاضر اصلاً، تمایلی به پاسخ تأیید آمیز به این مسائل نداریم و هنوز امید خود را به همکاری از دست نداده ایم)، اما چشم بستن به دشواری اوضاع بسیار مضرتر از اغراق در انشفاق است، و ما از صمیم قلب به از سرگیری فعالیت انتشاراتی گروه رهایی کار و مبارزه ای که با تحریف و مبتذل کنندگان سوسیال-دمکراسی آغاز کرده، خوش آمد می گوئیم. [۴]

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گیری کرد: ما سوسیال-دمکراتهای روس باید متحد شده و تمام تلاش های خود را در جهت شکل دادن به حزبی واحد و قوی صرف کنیم تا تحت لوای سوسیال-دمکراسی انقلابی مبارزه بکنند. باید تداوم جنبش را حفظ کنیم و بطور سیستماتیک از سازمان جنبش حمایت کنیم. این نتیجه گیری امری جدید نیست. دو سال پیش سوسیال-دمکراتهای روس- زمانی که نمایندگان بزرگترین سازمانهای سوسیال-دمکرات روسیه در بهار سال ۱۸۹۸ در کنگره ای گرد هم آمدند و حزب کارگر سوسیال-دمکرات روس را تشکیل دادند - مانیفست حزب را منتشر کردند و رابوچایا گازتا Rabochaya Gazeta را به عنوان ارگان رسمی حزب قبول کردند. ما به عنوان اعضای حزب کارگر سوسیال-دمکرات روس کاملاً، با ایده های اصلی موجود در مانیفست موافق بوده و اهمیت فوق العاده ای به آن، به مثابه ی بیان روشن و همگانی اهدافی که حزب ما باید در جهت عملی کردن آنها بکوشد، قائل هستیم. در نتیجه ما به عنوان اعضای حزب، موضوع وظایف مستقیم و بلافصل خود را به این شکل عرضه می کنیم: باید کدام نقشه ی عملی را جهت احیای حزب بر اساس مستحکمترین مبانی ممکن اتخاذ کنیم؟ بعضی از رفقا (حتا بعضی از گروهها و سازمانها) بر این نظر هستند که جهت دستیابی به این هدف لازم است کار انتخاب نهاد مرکزی حزب را از سرگیریم و آن را ملزم به از سرگیری انتشار ارگان حزب بنماییم. [۵] ما فکر می کنیم این تفکر نادرست و در هر شکل زیانبار است. ایجاد و تقویت حزب به مفهوم ایجاد و تقویت وحدت بین همه ی سوسیال-دمکراتهای روس است؛ چنین وحدتی با دستور و تصمیم گیری و یا بهتر بگوئیم با گردهم آیی نمایندگان حاصل نمی شود؛ برای رسیدن به چنین وحدتی باید کار کرد. در نخستین مرحله لازم است انتشارات مشترک حزبی را توسعه داد، مشترک نه تنها به این مفهوم که باید در خدمت کل جنبش روس باشد و به مناطق مجزا منحصر نشود، بلکه در ضمن باید بطور کلی مسائل مبتلابه جنبش را مورد بحث قرار داده و به جای پرداختن صرف به مسائل منطقه ای به رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا در مبارزه شان کمک کند؛ و نیز مشترک به این معنی که باید همه ی قوای انتشاراتی را متحد کرده و باید همه ی نطه های فکری موجود در میان سوسیال-دمکراسی روس را، نه به مثابه ی کارگران مجزا بلکه به مثابه ی رفقای متحد در صفوف سازمان واحد با برنامه و مبارزه ای مشترک، تبلیغ نماید. علاوه بر این، لازم است سازمانی ایجاد شود تا بتواند خصوصاً، رابطه بین همه ی مراکز جنبش را ایجاد و حفظ نماید و اطلاعات به موقع و کامل جنبش را در اختیار آنها قرار دهد و نیز نشریات و روزنامه های ما را به طور مداوم به سراسر روسیه برساند. تنها زمانی که چنین سازمانی ایجاد شود، تنها زمانی که پست سوسیالیستی روسی ایجاد شود، حزب بنیان مناسبی پیدا خواهد کرد و تنها در آن زمان حزب به یک واقعیت موجود و نیز نیروی سیاسی توانمند، بدل خواهد شد. ما قصد داریم نیروی خود را مصروف نیمه ی نخست این هدف بنماییم، برای نمونه، ایجاد نشریات مشترک؛ زیرا به نظر ما میرم ترین نیاز جنبش در حال حاضر و نیز گام ضروری اولیه برای از سرگیری فعالیتها ی حزبی، همین مسئله است.

طبیعی است که خصیصه اهداف ما، برنامه ی پیشبرد فعالیتهای انتشاراتی ما را تعیین کند. نشریات باید فضای قابل توجهی به مباحث ایدئولوژیک، برای نمونه، به تئوری عمومی سوسیال-دمکراسی و تطبیق آن با شرایط روسیه اختصاص دهند. بی شک، نیاز میرم جهت پیشبرد بحث گسترده در خصوص این مسائل، در شرایط حاضر بویژه با توجه به آنچه فوقاً گفته شد، به هیچ توضیح اضافی نیاز ندارد. لازم به گفتن نیست که مسائل تئوری عمومی بطور جدایی ناپذیری به اطلاعات در مورد شرایط تاریخی و حال حاضر جنبش طبقه ی کارگر در غرب بستگی دارد. علاوه بر اینها، ما بطور سیستماتیک در نظر داریم همه ی مسائل سیاسی را مورد بحث قرار دهیم - حزب کارگر سوسیال-دمکرات باید به همه ی سوالات ایجاد شده در همه ی جنبه های حیات روزانه ی ما، به همه ی مسائل سیاست داخلی و خارجی، پاسخ گوید و باید در نظر داشته باشیم که هر سوسیال-دمکرات و هر کارگر دارای آگاهی طبقاتی دیدگاههای قاطع در خصوص همه ی مسائل مهم دارد. بدون انجام این شرط، امکان تبلیغ و تهییج سیستماتیک و گسترده وجود

ندارد. بحث در مورد مسائل تئوریک و سیاسی با بیانیه برنامه حزب که لزوم اجرای آن در کنگره ۱۸۹۸ مورد تاکید قرار گرفته، مرتبط خواهد بود. در آینده ی نزدیک قصد داریم پیش نویس برنامه را منتشر کنیم؛ بحث اقماعی در مورد آن، مطالب کافی در اختیار کنگره ی آتی که قرار است برنامه ی کاری اتخاذ کند، قرار خواهد داد. [۶] وظیفه ی حیاتی دیگر، به نظر ما، بحث در خصوص مسئله ی سازمان و روش های عملی اجرای وظایف محوله است. عدم اتحاد و پیگیری که در بالا به آنها اشاره شد، بویژه تأثیرات مخربی بر وضعیت موجود دیسپلین حزبی و سازمان و شیوه های مخفی کاری دارد. ما سوسیال دموکراتها باید با صراحت در برابر مردم بپذیریم که از کوشندگان قدیمی در جنبش انقلابی روسیه و سایر سازمانهای فعال در صحنه ی مبارزاتی روسیه عقب مانده ایم، بنابراین لازم است تمام تلاش خود را بکار ببریم تا خود را به آنها برسانیم. جلب تعداد بیشتری از طبقه ی کارگر و جوانان روشنفکر به جنبش، عقیم گذاشتن پیگردهای مکارانه حکومتی و افزایش شکست برنامه های دولت نیاز حیاتی به تبلیغ اصول و شیوه های سازمان حزبی و مخفی کاری دارد.

چنین تبلیغاتی اگر از طرف همه ی گروههای مختلف و همه ی رفقای باتجربه حمایت شود، می تواند و باید به آموزش جوانان سوسیالیست و کارگران منجر شود تا به مثابه ی رهبران جنبش انقلابی بتوانند به کلیه ی موانع ایجاد شده از سوی پلیس اتوکراتیک دولت ستمگر بر سر راه اجرای برنامه های ما فایق آیند و قادر باشند در جهت برآوردن همه ی نیازهای توده ی کارگر که در عین حال مشتاقانه در پی مبارزه برای سوسیالیسم و مبارزه ی سیاسی هستند، خدمت کنند. بالاخره اینکه، یکی از وظایف اساسی منتج از مسائل گفته شده در بالا، لزوم تجزیه و تحلیل جنبش خودبخودی (در بین توده های کارگر و روشنفکران ما) است. باید بکوشیم تا جنبش اجتماعی روشنفکری را که نشان خود را بر سالهای پایانی قرن نوزدهم در روسیه نقش زده و گرایشهای مختلف و گاهها، متضاد را تلفیق کرده، درک نماییم. لازم است به دقت شرایط طبقه ی کارگر را در همه ی زمینه های حیات اقتصادی، اشکال و شرایط بیداری کارگران و مبارزات موجود فعلی مطالعه کنیم تا بتوانیم سوسیالیسم مارکسیستی و جنبش طبقه ی کارگر روس را که ریشه در خاک روسیه زده، در یک مجموعه ی واحد متحد کنیم و ایضا، قادر به تلفیق خیزش های خود بخودی توده ی مردم با جنبش انقلابی روسی بشویم. حزب سوسیال-دموکرات طبقه ی کارگر روسیه تنها زمانی می تواند ایجاد شود که این ارتباطات بوجود آید، زیرا سوسیال-دموکراسی تنها جهت خدمت به جنبش خودبخودی طبقه ی کارگر بوجود نمی آید (آنگونه که این روزها گاهها، بعضی از "کارگران عملی" ما می اندیشند) بلکه هدف تلفیق سوسیالیسم با جنبش طبقه ی کارگر است و تنها با این تلفیق است که پرولتاریای روس قادر خواهد شد وظیفه ی بلافصل سیاسی خود را که همانا آزاد کردن روسیه از یوغ اتوکراسی ستمگر است، به انجام رساند.

تقسیم این وظایف و مسائل بین مجله و روزنامه دقیقاً با تفاوت در سبب و ویژگی این دو نشریه مشخص خواهد شد - مجله اساساً نقش تبلیغی و روزنامه وظیفه ی ترویجی بر عهده خواهد داشت. اما همه ی جنبه های جنبش باید در مجله و روزنامه منعکس شوند. ما مخصوصاً می خواهیم بر مخالفت خود با این دیدگاه که روزنامه ی کارگری باید مطالب خود را منحصرراً به موضوعات بلافصل و مستقیم در رابطه با جنبش خودبخودی طبقه ی کارگر اختصاص دهد و بقیه ی مطالب مربوط به تئوری سوسیالیستی، علوم، سیاست و مسائل مربوط به سازمان حزب را به مجله ی روشنفکری واگذار کند، اصرار بورزیم. درست بر عکس، لازم است همه ی حقایق مسلم و تجلیات جنبش طبقه ی کارگر با مسائل ذکر شده تلفیق شود و باید انوار تئوری بر هر حقیقت مجزا بتابد و تبلیغ بر سر مسائل سیاسی و سازمان حزبی باید در میان توده های وسیع کارگر جاری شود و این مسائل با کار تهییجی عجین شود. شکلی از کار تهییجی - تهییج بوسیله استفاده از اعلامیه های منتشره ی محلی - که بدون هیچ استثنایی بر جنبش غالب بوده، درحال حاضر نامناسب است؛ این کار محدودیت دارد زیرا از حوزه ی محلی و عمدتاً مسائل اقتصادی فراتر نمی رود. لازم است تلاش کنیم تا با استفاده از روزنامه که باید حاوی اطلاعات معمول مربوط به رنج و درد اعتصابات کارگران و سایر اشکال مبارزات پرولتاری باشد، شکل عالی تری از آژیتاسیون را جانشین آن کنیم؛ علاوه بر این باید همه ی نمودهای استبداد سیاسی را در سراسر روسیه با توجه به اهداف نهایی سوسیالیسم و وظایف سیاسی پرولتاریای روسیه جمع بندی کامل کنیم. لازم است این گفته ی پی.بی.آلرود را به مثابه ی شعار عملی فعالیت های سوسیال-دموکراسی روس و نیز شعار برنامه ی انتشاراتی در آینده ی بسیار نزدیک قرار دهیم که گفت: "مرزهای فعالیت را گسترش و حیطه ی فعالیت های تبلیغی، تهییجی و سازمانی را توسعه دهید".

اینک بطور طبیعی مساله ای رخ می نماید: اگر قرار است نشریات مورد نظر در خدمت متحد کردن همه ی سوسیال-دموکراتهای روس و گردآوردن آنها در حزب واحد باشند، باید تمام انوار اندیشه، همه ی گرایشهای ویژه ی محلی و همه ی روش های عملی متفاوت را منعکس کند. چگونه می توانیم وجهه مختلف اندیشه را با پیگیری سیاست نوشتاری یکدست برای این نشریات، تلفیق نماییم؟ آیا این نشریات باید ملغمه ای از اندیشه های مختلف باشند یا باید گرایشی مستقل و کاملاً صریح را نمایندگی کنند؟

ما گزینه ی دوم را قبول داریم و امیدواریم که ارگان با گرایشی معین ثابت کند که هم در هدف خود برای بیان دیدگاه های مختلف و هم در پلمیک های رفیقانه میان شرکت کنندگان محق است (همچنان که در سطور زیر نشان خواهیم داد). دیدگاههای ما در تطابق کامل با اندیشه های بنیادی مارکسیسم است (اندیشه هایی که در مانیفست کمونیست و برنامه های سوسیال-دموکراتها در اروپای غربی مطرح شده اند)؛ ما بر انکشاف مداوم این اندیشه ها بر اساس آرمان های

مارکس و انگلس اصرار داریم و قاطعانه ادعا های اصلاحی اپورتونیستی و دوپهلوی. برنشتینی را که اینک مد روز شده، مردود می شماریم. همچنانکه دیدیم وظیفه ی. سوسیال-دمکراسی سازماندهی مبارزات طبقاتی پرولتاریا جهت پیشبرد مبارزه برای دستیابی به اهداف اصلی و نهایی خود و نیز تجزیه و تحلیل شرایطی که روشهای ابزار هدایت این مبارزه را مشخص می کند، است. "رهایی طبقه ی. کارگر تنها به دست خود طبقه ی. کارگر میسر است" [۷] اما از آنرو که سوسیال-دمکراسی را از جنبش طبقه ی. کارگر جدا نمی دانیم، نباید از یاد ببریم که در کل، هدف سوسیال-دمکراسی نمایندگی منافع طبقه ی. کارگر در همه ی. کشورها خواهد بود. سوسیال-دمکراسی نباید کورکورانه در برابر مرحله ی. خاصی از جنبش، در شرایط مکانی و زمانی ویژه به سجده بیافتد. به باور ما لازم است سوسیال-دمکراسی از هر جنبش انقلابی بر علیه سیستم اجتماعی و اقتصادی حاکم پشتیبانی کند و هدف اش کسب قدرت توسط طبقه ی. کارگر، سلب مالکیت از سلب مالکیت کنندگان و بنای جامعه ای سوسیالیستی باشد. ما قویا" هر تلاشی را برای تضعیف و یا تخفیف ویژگی انقلابی سوسیال-دمکراسی که در واقع حزب انقلاب اجتماعی است محکوم کرده و بیابانه در برابر هر طبقه ای که به پشتیبانی از سیستم اجتماعی حاضر برآید خواهیم ایستاد. خصوصا" معتقدیم وظیفه ی. تاریخی سوسیال-دمکراسی روس سرنگونی خودکامگی است: وظیفه ی. معین سوسیال-دمکراسی ایفای نقش مبارزان پیشرو در صفوف دمکراتهای روس است؛ وظیفه ی. معین سوسیال-دمکراسی دستیابی به هدفی است که توسعه ی. اجتماعی روسیه در برابرش قرار داده است، و وظیفه ای که از مبارزان پرافتخار جنبش انقلابی روسیه به ارث رسیده است. تنها با ارتباط جدایی ناپذیر مبارزات اقتصادی و سیاسی و تنها از طریق گسترش تبلیغ و تهییج در میان لایه های هر چه وسیعتر طبقه ی. کارگر است که سوسیال-دمکراسی می تواند به اهداف اش نایل شود.

از این دیدگاه (در اینجا اشاره ای کلی به آن شده است، زیرا جزئیات کامل تر از سوی گروه رهایی کار به طرق مختلف از جمله در مانیفست حزب کارگر سوسیال-دمکرات روس و در پیشنهاد به نامه - اعلامیه ی. و وظایف سوسیال دمکراتهای روس [۱] و در جنبش طبقه ی. کارگر در روسیه [مبانی برنامه ی. سوسیال-دمکراسی روس]) عرضه شده است. ما با اتکا به این اندیشه ها قادریم با همه ی. مسائل عملی و نظری برخورد کنیم و خواهیم کوشید تجلیات جنبش طبقه ی. کارگر و اعتراضات دمکراتیک در روسیه را با این اندیشه ها پیوند زنیم. گرچه ما وظایف انتشاراتی خود را از موضع گرایشی خاص انجام می دهیم ولی ابا" قصد عرضه ی. همه ی. دیدگاهمان در خصوص مسائل جزئی از جانب کل سوسیال-دمکرات های روس را نداریم؛ ما منکر وجود تفاوت ها نیستیم و نمی خواهیم اختلاف نظر را پنهان و یا نابود کنیم. برعکس، علاقمندیم نشریات ما ارگان مباحثات در مورد همه ی. مسائل از جانب همه ی. سوسیال-دمکرات های روس با تمام نحله های فکری باشد. ما مخالف پلمیک بین رفقا نیستیم، بلکه برعکس، آماده ایم تا فضای کافی در نشریات مان به آنها بدهیم. پلمیک آزاد با شرکت همه جانبه ی. سوسیال-دمکرات ها و کارگران دارای آگاهی طبقاتی با هر اندیشه ای ضروری و پذیرفتنی است، از آن روکه به روشن شدن عمق اختلافات موجود، امکان بحث بر سر موضوعات مورد جدل از هر زاویه و نیز مبارزه با تند روی هایی که ممکن است نمایندگان دیدگاههای متنوع، گروههای متفاوت محلی و "متخصصین" مختلف جنبش انقلابی، گرفتار آن بشوند، کمک می کند. در واقع به نظر ما یکی از موانع جنبش در حال حاضر نبود پلمیک آزاد بین دیدگاههای پذیرفته شده ی. متنوع و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر اختلاف نظر در خصوص مسائل بنیادی است.

علاوه بر این، به نظر ما، اگر قبول داشته باشیم که طبقه ی. کارگر و سوسیال-دمکراسی روس به مثابه ی. پیشاهنگ مبارزه برای دمکراسی و آزادی سیاسی هستند، آنگاه باید بگوئیم تا نشریات ما ارگان جنرال-دمکراتیک (دمکراسی همگانی) شوند. این امر نه به این دلیل است که می خواهیم برای لحظاتی گذرا آنتاگونیسم میان پرولتاریا و سایر طبقات را فراموش کنیم و نه به این دلیل است که بخواهیم حتما اندکی در امر مبارزه طبقاتی کوتاه بیاییم، بلکه می خواهیم تمام سوالات دمکراتیک را عرضه کنیم و مورد بحث قرار دهیم و خود مان را صرفا" در چهارچوب مسائل محدود پرولتاریا مقید نکنیم؛ از این رو تمام نمونها و مظاهر ستم سیاسی را آشکارا به بحث خواهیم گذاشت و ارتباط بین جنبش طبقه ی. کارگر و همه ی. اشکال مبارزه ی. سیاسی را نشان داده و تمام مبارزین صادق را بدون توجه به دیدگاه یا وابستگی طبقاتی شان به مبارزه بر علیه اتوکراسی فراخوانده و تمام تلاش خود را بکار خواهیم گرفت تا اثبات کنیم که طبقه ی. کارگر تنها نیروی انقلابی است که تا به آخر بر علیه استبداد و خودکامگی می رزمند. در نتیجه گرچه ما در گام نخست دست یاری به سوی سوسیالیستهای روس و کارگران دارای آگاهی طبقاتی دراز می کنیم اما تنها به یاری آنها چشم نخواهیم دوخت. ما همه ی. کسانی را که تحت ستم رژیم سیاسی حاضر در روسیه قرار گرفته و نیز آنهایی را که در راه رهایی مردم روسیه از یوغ بردگی سیاسی شان می رزمند خطاب قرار می دهیم تا از نشریاتی که وقف سازماندهی جنبش طبقه ی. کارگر در قالب حزب سیاسی انقلابی خواهد شد، حمایت کنند، ما به این امید صفحات نشریه را در اختیار آنها قرار می دهیم که تمام جنایات و سبهاکاری های حکومت مطلقه روسیه را افشا نمایند. ما این درخواست را با این امید انجام می دهیم که اطمینان داریم پرچم مبارزه ی. سیاسی برافراشته شده از سوی سوسیال-دمکراسی روسی، می تواند و باید درفش همه ی. مردم شود.

وظیفه ای که ما بر عهده گرفته ایم بسیار وسیع و فراگیر است، شاید بشود گفت از توان ما به تنهایی خارج است، اگر با توجه به تمام تجارب قبلی مان به این نتیجه ی. قاطع نرسیده بودیم که این وظیفه ی. حیاتی کل جنبش است و اگر به هم رای و همراهی صادقانه و پیگیر: ۱- اکثر سازمان های حزب کارگر سوسیال-دمکرات روسیه و گروههای مستقل

کارگری سوسیال-دمکرات در شهرهای مختلف؛ ۲- گروه‌هایی کار که سوسیال-دمکراسی روسیه را بنیان نهاده و همواره تحت رهبری تنوریسین‌ها و نمایندگان صاحب‌قلم‌اش بوده؛ ۳- تعدادی از افرادی که هیچ وابستگی به هیچ یک از گروه‌ها ندارند اما با جنبش سوسیال-دمکراتیک طبقه‌ی کارگر همراهند اما فی‌الواقع خدمتی به آن نکرده‌اند، نداشتیم، چنین قاطعانه اقدام به این کار عظیم نمی‌کردیم. ما تمام تلاش خود را برای به انجام رساندن درست بخشی از وظیفه‌ی سترگ انقلابی که برگزیده‌ایم، انجام خواهیم داد. می‌کوشیم تا همه‌ی رفقا نشریات ما را از آن خود بدانند، نشریاتی که همه‌ی گروه‌ها با بزرگواری خود اطلاعات مربوط به جنبش را در اختیارش قرار خواهند داد و اندیشه‌های خود را در آنها منتشر خواهند کرد، بر نیاز خود به داشتن نشریه سیاسی صحه خواهند گذاشت و تجربیات خود را با دیگران سهیم خواهند شد و صدای خود را با استفاده از مطبوعات سوسیال-دمکراتیک بلند خواهند کرد و در یک کلام، از ابزاری بهره‌مند خواهند شد که از طریق آن به جنبش خواهند آموخت و از آن خواهند آموخت. تنها از این طریق است که ایجاد ارگان اصیل سوسیال-دمکراتیک سراسری روسیه امکان‌پذیر خواهد شد. سوسیال-دمکراسی روسیه قبلاً، در شرایط مخفی محصور بوده و در آن گروه‌های مختلف و حلقه‌های مطالعاتی جدا افتاده کار خود را انجام می‌دادند. زمان آن فرا رسیده تا در راه دفاع علنی از سوسیالیسم و مبارزه سیاسی بپا خیزیم. ایجاد سوسیال-دمکراسی سراسری روسیه نخستین گام در این راه خواهد بود.

یادداشتها

[۱] مراجعه کنید به چاپ حاضر ج ۲، ص ۳۲۳

[۲] ایسکرا (شعله) نخستین روزنامه‌ی مارکسیستی غیرقانونی روسیه بود که توسط لنین در سال ۱۹۰۰ ایجاد شد و در تاسیس حزب مارکسیستی انقلابی طبقه‌ی کارگر روسیه نقش مهمی ایفا کرد.

به دلیل پیگردهای پلیس امکان نشر روزنامه‌ی انقلابی در روسیه وجود نداشت. لنین زمانی که در سیبری دوران تبعید خود را می‌گذراند، نقشه‌ی انتشار روزنامه را در خارج از کشور طراحی کرد. با پایان یافتن دوران تبعید اش (ژانویه ۱۹۰۰) بلافاصله عملی کردن طرح اش را پی گرفت. در ماه فوریه در سن پترزبورگ مذاکراتش را با ورا زاسولچ (که بصورت غیرقانونی از خارج آمده بود) در مورد مشارکت گروه‌هایی کار در انتشار روزنامه، آغاز کرد. در پایان ماه مارس و اوایل ماه آوریل کنفرانس مشهور به Pskov با شرکت و.ا. لنین، ل. مارتوف (و.ای. او. زدریوم)، ا. ن. پترسوف، اس.ال. رادچنکو، و "مارکسیست قانونی" پی.بی. استروف و ام.ای. توگان بارانوسکی برگزار شد.

پیش‌نویس بیانیه توسط لنین عضو هیئت تحریریه روزنامه‌ی سراسری روسیه (ایسکرا) و مجله سیاسی و علمی (زاریا) در خصوص برنامه و اهداف این نشریات، تهیه شده بود. در نیمه‌ی نخست سال ۱۹۰۰ لنین به تعدادی از شهرهای روسیه سفر کرد (مسکو، سن پترزبورگ، ریگا، سمولنسک، نژنی ناوگروود، یوفا، سامارا، سبیران) و تماسهایی با گروه‌های سوسیال-دمکرات برقرار کرد و حمایت آنها را از ایسکرا جلب نمود. در اگوست سال ۱۹۰۰ وقتی لنین به سویس رسید با پوترسوف و گروه‌هایی کار در مورد اهداف و برنامه‌های روزنامه و مجله و نیز توزیع کنندگان احتمالی و محل اقامت هیئت تحریریه مذاکراتی انجام داد. ابتدا کنفرانس تقریباً "با شکست روبرو شد (به صفحات ۴۹-۳۳۳ این جلد مراجعه کنید) اما نهایتاً" در مورد همه‌ی مسائل مورد بحث توافق حاصل شد.

اولین شماره‌ی ایسکرای لنین در ماه دسامبر ۱۹۰۰ در لایپزیگ منتشر شد. شماره‌های بعدی در مونیخ و از جولای به بعد در لندن و از بهار ۱۹۰۳ در ژنو چاپ شدند. کمک‌های شایان توجه سوسیال-دمکرات‌های آلمانی از جمله کلارازتکین، آدولف براون و انقلابی لهستانی ژولیان مارکوسکی، که در آن ایام در مونیخ ساکن بود، و نیز هاری کولش، یکی از رهبران فدراسیون سوسیال-دمکراتیک انگلستان، در تهیه‌ی مکان و امکانات برای اسکان (سازمان چاپخانه‌ی مخفی و تایپ مناسب روسی و...) موجب تداوم انتشار نشریه شد.

اعضای هیئت تحریریه ایسکرا عبارت بودند از: و.ای. لنین، گ. و. پلخانف، ل. مارتوف، بی. آخلرود، آن. پوترسوف و و.ای. زاسولچ بودند. دبیر اول هیئت گ. اسمیدویچ-لمن بود که از بهار ۱۹۰۱ به ن.ک. کروپسکیا واگذار شد. کروپسکیا در عین حال نماینده‌ی رابط بین ایسکرا و سازمان‌های سوسیال-دمکرات روسیه بود. در واقع لنین سردبیر و عامل رهبری کننده‌ی ایسکرا بود که در آن مقالات خود را در خصوص مسائل عمده‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا و سازمان حزب در روسیه و نیز مسائل مهم جهانی منتشر می‌کرد.

ایسکرا مرکزی برای اتحاد نیروهای حزب و تجمع و تربیت کارگران حزبی شد. در تعدادی از شهرهای روسیه (سن پترزبورگ، مسکو، سامارا و...) گروه‌هایی از کمیته‌های R.S.D.L.P. (حزب کارگری سوسیال-دمکرات روسیه) بر اساس خط‌لنینیستی ایسکرا سازمان یافتند و در ژانویه‌ی ۱۹۰۲ کنفرانس حامیان ایسکرا در سامارا تشکیل و سازمان ایسکرای روسیه را بنیان نهادند. سازمان ایسکرا تحت رهبری مستقیم یاران و رفقای وفادار لنین: ن.ای. بومن، ای.و. بابوشکین، س. ای. گوسف، م.ای. کالینین، پ.ا. کراسیکوف، گ.م. کرژیزانوسکی، ف.و. لنگنگ، ای.ای. رادچنکو و دیگران توسعه یافت.

با ابتکار و دخالت مستقیم لنین، هیئت تحریریه ایسکرا پیش‌نویس برنامه حزب را (منتشر شده در شماره ۲۱ ایسکرا) طرح و مقدمات برگزاری کنگره دوم R.S.D.L.P. آماده کرد که در جولای و اگوست ۱۹۰۳ برگزار شد. در طی

برگزاری کنگره اکثر سازمان های سوسیال-دمکرات محلی روسیه موضع ایسکرا را پذیرفتند و برنامه ها و طرح سازمانی و مشی تاکتیکی اش را مورد تایید قرار دادند و ایسکرا را به عنوان ارگان رسمی مورد شناسایی قرار دادند. در بیانیه ی ویژه ی کنگره از نقش استثنایی ایسکرا تجلیل و این روزنامه به عنوان ارگان مرکزی R.S.D.L.P پذیرفته شد. کنگره هیئت تحریریه ی متشکل از: لنین، پلخانف و مارتف را به رسمیت شناخت. علیرغم تصمیم کنگره مارتف از قبول مسئولیت سرباز زد و شماره های ۵۱-۴۶ از سوی لنین و پلخانف ادیت شد. بعدها پلخانف به موضع منشویکی روی آورد و خواستار شرکت همه ی ادیتورهای قدیمی منشویک در هیئت تحریریه ایسکرا شد، درخواستی که کنگره آن را رد کرد. لنین نمی توانست با این امر موافقت کند و لذا در ۱۹ اکتبر (۱ نوامبر) ۱۹۰۳ از هیئت تحریریه ی ایسکرا استعفا داد. لنین به عضویت کمیته ی مرکزی در آمد و از آن جا به مبارزه با اپورتونیسیم منشویکی پرداخت. پلخانف به تنهایی شماره ۵۲ را ادیت کرد. روز ۱۳ (۲۶) نوامبر سال ۱۹۰۳ پلخانف با ابتکار خود و با زیر پا گذاشتن مصوبات کنگره همه ی ادیتورهای قدیمی منشویک را به عضویت هیئت تحریریه در آورد. از شماره ی ۵۲ به بعد منشویک ها، ایسکرا به ارگان خود تبدیل کردند.

[۳] زاریا (سپیده دم) مجله ی سیاسی-علمی مارکسیستی از سال ۱۹۰۱-۰۲ بصورت قانونی بوسیله ی هیئت تحریریه ی ایسکرا در شهر اشتوتگارد منتشر می شد. کلا، چهار شماره (در سه نوبت چاپ) منتشر شد: شماره ۱ - آوریل ۱۹۰۱ (در واقع ۲۳ مارس) شماره ۲ و ۳ دسامبر ۱۹۰۱؛ و شماره ۴ اگوست ۱۹۰۲.

[۴] اشاره ی لنین به "بیانیه ی از سرگیری انتشارات گروه رهایی کار" است که در اوایل سال ۱۹۰۰ در ژنو بعد از انتشار نوشته ی "اعتراض از سوی سوسیال-دمکرات های روسیه" لنین، منتشر شد. گروه رهایی کار در "بیانیه" خود از درخواست لنین برای مبارزه ی قاطعانه با اپورتونیسیم در صفوف سوسیال-دمکراسی روسیه و بین الملل حمایت کرد.

[۵] منظور لنین از گروهها و سازمانها، گروههای گرد آمده حول روزنامه ی یاشنی رابوچی Yashny Rabochy (کارگران جنوبی)، بودند، اتحادیه سوسیال-دمکراتهای روس در خارج بود که رهبری آن از گروه رهایی کار به حامیان "جوان" "اکونومیسم" منتقل شده بود. در بهار ۱۹۰۰ این گروهها قصد داشتند دومین کنگره ی حزب را در اسمولنسک برگزار کنند. لنین جو حاکم بر آماده سازی کنگره را در فصل ۵ "چه باید کرد" بیان کرده است (چاپ حاضر ج ۵).

[۶] منظور لنین "پیش نویس برنامه حزب ما" است که در اواخر سال ۱۸۹۹ برای شماره سوم رابوچایا گازتا Rabochaya Gazeta نوشت ولی هیچگاه منتشر نشد (چاپ حاضر ج ۵ ص ۵۴-۲۲۷) پیش نویس برنامه ی حزب بنا به پیشنهاد لنین، از سوی هیئت تحریریه ایسکرا و زاریا برای کنگره ی دوم R.S.D.L.P تهیه شد و در شماره ی ۲۱ اول ماه ژوئن ۱۹۰۲ در ایسکرا به چاپ رسید. در اگوست ۱۹۰۳ سومین کنگره ی R.S.D.L.P آن را قبول کرد.

[۷] لنین انگاره ی بنیادین مارکس را در "اصول کلی اتحادیه بین المللی کارگران" (انترناسیونال اول) نقل قول می کند، (منتخب آثار مارکس و انگلس، ج ۱، چاپ مسکو، ۱۹۵۶، ص ۳۸۶).